

معماری، شهرسازی و کاهش جرائم

نویسنده مسئول: مهرآفرین قائمی اردکانی کارشناس ارشد جزا و جرم شناسی

Ardakanihoghooghi@gmail.com

چکیده:

این مقاله بصورت توصیفی، تحلیلی و با تاکید بر ضرورت همکاری میان رشته ای بین جرم‌شناسان و طراحان شهری می باشد. امنیت در محل زیست انسان ها از طریق عوامل مختلفی قابل تامین است که یکی از آنها طراحی مناسب و سازگار با اصول و ضوابط ایمنی و پیشگیرانه است. طبعا در صورت عدم رعایت اصول پیشگیرانه در برنامه ریزی و طراحی شهری با بروز حجم زیادی از جرایم روبرو خواهیم بود. از آنجا که جرم و پدیده شهر نشینی با یکدیگر ملازمه دارند، در پاره ای از کشورها مدیریت پیشگیری از جرم به وزارت مسکن و شهرسازی و شهرداریها محول شده است. از این رو یکی از مسائل مربوط به توسعه شهر ها معماری پیشگیرانه محسوب می شود. بنابراین با توجه به اینکه وزارت مسکن متولی پیشگیری از جرم است، می توان در ایجاد شهرک ها و شهرهای جدید و توسعه شهرهای موجوداز یافته های جرم شناسی پیشگیرانه استفاده کند. توجه به این مطلب ضروری است که معماری پیشگیرنده از جرم می بایست با سایر ملاحظات معمول در شهر سازی و ساخت اماکن مسکونی از قبیل زیبا سازی، صرفه جویی اقتصادی، رعایت حقوق و آزادی فردی خلوت و حریم خصوصی فرد همخوانی و مطابقت داشته باشد. اصول طراحی محیطی با رویکرد پیشگیرانه می تواند به گونه ای آسان، ارزان و کارآمد در هنگام ساخت یا تعمیر مجموعه های مسکونی اعمال گردد. این پژوهش به دنبال شناخت اصول صحیح طراحی بدون جرم می باشد.

کلیدواژه: شهرسازی، طراحی محیطی، جرم، جرم شناسی، پیشگیری از جرم

مقدمه

از عوامل موثر در وقوع جرم، محیط اجتماع و زندگی است و بررسی موضوعاتی چون کیفیت ایبیه و نحوه ی معماری و چگونگی شهر سازی در جوامع مختلف، مبین تاثیرگذاری محیط بر بزهکاری است. نوع و کیفیت معماری و شهرسازی د رکاهش یا افزایش وقوع جرم تاثیر زیادی دارد. طراحی مناسب محیط که در قالب وضع قوانین معماری و شهرسازی نمود می یابند، راه حل مناسبی در پیشگیری از وقوع جرم می باشند. وضعیت ظاهری معابر شهری و فضای سبز، خیابان های تاریک، ساختمان های مخروبه و خالی از سکنه، بناهای اطراف پل های بزرگ، زیر گذرها، حریم ریل های راه آهن و بسیاری از این دست فضاهای شهری، مکان های مناسبی برای افزایش یا تشدید وقوع جرایمی چون قتل، تجاوز جنسی، شرارت، تجمع معتادان و موارد مشابه است. با بررسی وقوع جرایم در مکان های اصلی و پر رفت و آمد شهر مانند میادین، می توان نتیجه گرفت که به لحاظ وجود امکانات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و انتظامی، در این بخش ها درصد جرایم بسیار کمتر از مناطق حاشیه ای شهرهاست. بر همین اساس در برخی کشورها اعطای پروانه های پایان کار و بهره برداری از پروژه های مسکونی و تجاری را منوط به تاییدیه شورایی می دانند که در آن شورا به وضعیت ساختمان از لحاظ مقاومت در برابر جرایم مختلف پرداخته شده باشد. تمام این سیاست ها برای افزایش امنیت شهروندان صورت می گیرد. در ایران هم این مساله در قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته و می توان گفت یکی از راه های اجرای این اصل توجه به وضعیت سازه های مسکونی، تجاری و مکان های عمومی شهری است. از آن جا که مردم در طول شبانه روز وقت خود را در شهر می گذرانند، نوع شهرسازی و استفاده از رنگ های مناسب و زیباسازی شهری باید به گونه ای باشد که در شهروندان حس امنیت و آرامش را ایجاد کند. در بسیاری از محیط های شهری به دلیل عدم توجه به این مساله شاهد ایجاد اختلالات عصبی و روانی در شهروندان هستیم. درواقع با توجه به تاثیرات قابل ملاحظه طراحی محیط بر رفتار انسان ها، شهرسازان و طراحان می توانند با تغییر در فضاهای شهری، سبب کاهش رفتارهای پرخطر و خشونت آمیز در سطح جامعه شوند که نتیجه آن کاهش جرم در جامعه خواهد بود. ارتباط میان جرم و محیط زندگی همواره بخشی از موضوعات جرم شناسی را به خود اختصاص داده است. جرم شناسان دائما به دنبال آن هستند که عوامل تشکیل دهنده ی جرم را در جامعه شناسایی و راهکارهای مقابله با آن را بیابند. شاید در یک نگاه واقع بینانه، رابطه معناداری میان محیط و وقوع جرم مشخص نباشد، اما مسلما می توان بین نحوه ی ساختمان محل زندگی و پیشگیری از جرم ارتباط موثری ترسیم کرد. به لحاظ ارتکاب جرم در هر شهری، خیابان ها، کوچه ها و محله هایی وجود دارد که به مناطق جرم خیز و بزهکار شناخته می شوند. پس باید بیشتر مورد توجه و نظارت واقع شوند و با وضع قوانینی در این مکان ها برای معماران و شهرسازان وقوع جرم را کاهش داد. لذا باید ساختار بافت شهری را به نحوی طراحی کرد که سبب ساز ایجاد نا امنی روانی و ذهنی نشود. همچنین در افراد ایجاد انگیزه ارتکاب جرم نکند. نحوه ی تلفیق خیابان ها و خانه ها، چگونگی ترکیب محله های مسکونی و تجاری، نحوه استقرار شهرک ها، ارتباط بافت فرسوده و بافت جدید شهر قرارگرفتن بزرگراه ها و بسیاری موارد دیگر از جمله مواردی است که در برداشت فرد از شهر و ارتباط و تعامل بین شهروندان بسیار موثرند.

روش تحقیق: روش تحقیق در مقاله حاضر بر اساس مطالعه مبانی، نظری، توصیفی، تحلیلی می باشد.

سوال های اصلی:

۱. آیا میان محیط و رفتارهای مجرمانه افراد ارتباطی وجود دارد؟
 ۲. آیا وضعیت ساختاری شهر و اماکن مسکونی در بروز جرم تاثیر دارد؟
 ۳. آیا از طریق معماری و شهرسازی پیشگیرانه می توان از وقوع جرایم پیشگیری نمود؟
 ۴. آیا تعامل و همکاری میان رشته ای بین جرمشناسان، برنامه ریزان و طراحان شهری می تواند در کنترل و کاهش جرائم موثر باشد؟
- اهداف مهم این پژوهش عبارت است از:
۱. برخورداری علمی و عملی از معماری و شهرسازی در جهت پیشگیری از جرایم.
 ۲. ضرورت تعامل و همکاری میان رشته ای بین جرمشناسان، برنامه ریزان و طراحان شهری در کنترل و کاهش جرائم
 ۳. کمک به چاره جویی و ارائه ی راهکارهایی برای کنترل و پیشگیری از جرم
 ۴. یافتن متدهای نوین پیشگیری از جرم برای دستیابی به مناسب ترین راهکارهای عملی برای کاهش جرایم مرتبط با معماری و شهرسازی.

پیشینه تحقیق:

کتاب ها و مقاله های مختلفی در زمینه پیشگیری از جرم و روانشناسی محیطی تالیف شده است. این آثار، خاستگاه های پیشگیری از جرم را از رهگذر طراحی محیطی می توان بررسی کنند.

۱. کلکوهن، معمار و طراح شهر سازی است. طراحی عاری از جرم حوزه ی رو به پیشرفتی است. که شکاف میان طراحی و مدیریت محیط های شهری را پر می کند. این کتاب برگرفته از دیپاچه ی دکتر تیم پاسکو که در جهت طراحی محیطی و راهکارهای موثر و ویژه ای را بررسی و ارائه نموده است و نیمون (۱۹۷۲) در کتاب فضاهای قابل دفاع به چارچوب کالبدی و محیطی یک محله خوب و امن که در آن ساکنان قادر باشند به محیط اطراف خانه هایشان را که شامل خیابان ها و فضاهای باز اطراف ساختمان ها و همچنین فضاهای داخلی از قبیل لابی، راهرو ها و پل ها تمرکز داشته باشند. همچنین وی روش هایی برای طراحی مناطق و منازل ارائه کرده تا با بهره گیری از ساکنان آنها بتوانند از محیطی که به آنان تعلق داشته محافظت کنند.

۲. محسنی (۱۳۸۸) در مقاله ای "تحت عنوان نسبت حاشیه نشینی با جرم و آسیب های اجتماعی" بیان میدارد حاشیه نشینی به بخشی از توسعه ی شهری اطلاق می شود که بدون برنامه ریزی، کنترل و رعایت ضوابط و مقررات شهرسازی توسط توده هایی از مردم که عمدتاً فقرا و اقشار کم درآمد شهری و مهاجران روستایی می باشند ایجاد می شود و رحمت (۱۳۸۸) در کتاب پیشگیری از جرم از طریق معماری و شهرسازی بیان می دارد؛ جرایم در بستر مکان رخ می دهند، طراحی محیط، که در قالب های معماری و شهرسازی نمود می یابد، راه حل مناسبی در پیشگیری از وقوع جرم می باشد.

۳. جاکوبز (۱۹۶۱)، در کتاب مرگ و زندگی شهر های بزرگ آمریکایی بیان میدارد تنوع و حیات شهری به وسیله طراحان شهری و استراتژی های دوباره شهرسازی نابود می شوند او با اصول طراحی شهری زمانش مبارزه کرد و از دکتر انگل، اسپلوم (۱۹۶۸) با موضوع «کاهش جرم از طریق طراحی شهری» یک مطالعه در مورد جرم های خیابانی بود. در بیانات او آمده است که: محیط فیزیکی می تواند اثرات مستقیمی بر روی بستر جرم به وسیله طرح قلمروها کاهش یا افزایش دسترسی ها به وسیله تقویت مرزها داشته باشد. او بیان کرد که جرم ارتباط معکوسی با فعالیت در خیابان ها دارد و یک محیط باریک اجتماعی به طور خاصی نسبت به جرم آسیب پذیر است و سی.ری. جفر (۱۹۷۱) جرم شناسی است که بر اساس نتایج و محققان قبلی نظریه CPTED در دهه ۷۰ ارائه داد. کتاب جفری به نام جلوگیری از جرم با استفاده از طراحی محیط وارد بازار شد با نظریه CPTED جفری با استفاده از تجربیاتش به اجرا کردن پروژه ای در واشینگتن بر می خیزد که تلاش کرد محیط مدرسه را کنترل کند. جفری در نظریه اش بر روی نقش محیط فیزیکی در اجرای تجربیات هنجار و ناهنجاری مختلفی که ظرفیت تغییر رفتار را دارد، تاکید می کند.

۴. نظریه فعالیت روزمره در سال (۱۹۷۹) توسط «کوهن» و «فلسون» مطرح شد. «مکان» در این نظریه شرط لازم و اساسی است. بر اساس این نظریه محیط شرایط مناسبی را برای بروز جرم ایجاد می کند و افراد بزهکار را به اهداف دلخواه برای ارتکاب جرم ترغیب می کند (مرشدی، ۱۳۸۶). نظریه ی هندسه جرایم را که اولین بار پل و پاتریشیا برانتینگهام در سال (۱۹۷۸) با الهام از مکتب شیکاگو مطرح کردند، به این نکته توجه دارد که طرح و فرم، ابعاد کالبدی تجهیزات و تاسیسات شهری - جاده ای - سیستم ترانزیت - کاربردیها و... بر رفتار نابهنجار و مجرمانه تاثیر میگذارد هندسه ی جرایم به اندازه و ابعاد فضا و محیط لازم برای ارتکاب جرایم نظر دارد و نیاز جرایم به فضا و شعاع عمل را مطالعه می کند.

۲- مفاهیم و تاریخچه

۲-۱- مفاهیم

انتونی گیدز معتقد است: وظیفه جرم شناسان این است که اجتماع را علیه بزرگاری مجهز نمایند و اقدامات لازم برای درمان بزهکاران را به عمل آورند، یعنی هم علل جرم را در مورد مطالعه قرار دهند و هم راه های پیشگیری و طرق جلوگیری و تکرار جرم را بررسی کنند تا بتوانند هم اجتماع و هم افراد را در مقابل جرائم حفظ نمایند (صبوری ص ۱۳۷۷، ۱۳۷۰). از یک دید کلی جرم رفتاری است مخالف نظم اجتماعی که مرتکب آن را در معرض مجازات یا اقدامات تامینی و تربیتی فرار میدهد (گلدوزیان، ۱۳۶۹؛ ۱۴۳) پیشگیری از جرم را میتوان بطور کلی در دو هدف کاهش حقیقی جرم و افزایش احساس سلامتی و امنیت تعریف کرد. (رستمی، ۱۳۸۹: ۲۴)

۲-۲- تاریخچه شهرسازی و معماری

بررسی و مطالعه رابطه میان محیط ها و فضاهای شهری با رفتارهای بزهکارانه و خشونت های شهری، به نیمه اول قرن نوزدهم میلادی و مطالعات کتله و گری بر پایه نظریه اکولوژی شهری باز می گردد. این نظریه در مکتب شیکاگو به بنیانگذاری رابرت پارک، در سیر تکوین و تحول خود در اوایل قرن بیستم بررسی و تحلیل های گسترده ای را از پدیده هاب اجتماعی مانند جرم، جنایت و امراض روانی در شهرها ترسیم نقشه های آن و رابطه با آن ها با محیط های شهری را در مطالعات اندیشمندان نظیر شاو و مکاگی فراهم آورد. از آنجا که جرم باید دارای بستر زمانی و مکانی باشد، از حدود دهه ۷۰ این اندیشه به وجود آمد که با تفاوت در شرایط مکانی می توان نابرابری جرائم را مشاهده کرد. به این معنا که مکان هایی که فرصت های ارتکاب را با دشواری همراه می کند با میزان وقوع جرم کمتری روبه رو است و برعکس، شرایط تسهیل کننده باعث ایجاد ناهنجاری های شهری خواهد شد. نظریه پیشگیری از جرم از طریق محیط به این نکته توجه دارد که مجرمان در ارتکاب جرم دست به انتخاب منطقی می زنند؛ بنابراین سوژه و هدف جرم را به گونه ای انتخاب می کنند که به راحتی به آن دسترسی داشته باشند یا از طرفی دیگر امکان شناخته و دستگیر شدن آن ها کم شود. بنابراین اگر در معماری و شهرسازی بتوان از تکنیک هایی استفاده کرد که امکان شناسایی و دستگیری مجرمان بالقوه را افزایش دهد، می تواند قدم موثری در کاهش وقوع جرم برداشت. (رحمت، ۱۳۸۸: ۲۷۹)

۳- شهر مطلوب

شهر مطلوب شهری است که در آن پراکندگی جمعیت به طور منطقی و متوازن انجام گرفته است و دسترسی به اماکن عمومی به سهولت انجام می پذیرد و مراکز تجاری و اداری سبب ازدحام وسایل نقلیه و تردد های بی مورد نمی شود. فضای سبز و زمین بازی در دسترس است و ترافیک و آلودگی هوا واژه هایی بی معنی و یا حداقل قابل کنترل هستند. شهر مطلوب با مشارکت شهروندان ایجاد می شود. در این شهر نقشه های شهرسازی آیه های لایزال نیستند که حکومت از جایگاه قدرت بر آن بنگرد و مردم مشارکتی در ایجاد آن نداشته باشند. در شهر مطلوب، مالکیت مجاورین، محترم است و اطمینان دارند که در معرض دید دیگران نیستند در این شهر مدیری واحد بر عملکرد ادارات شهر نظارت می کند و اثری از اقدامات موازی و دوباره کارهایی که سبب از بین رفتن سرمایه های شهر می شود. در اینجا شهروندان انتظارات خود را برآورده شده می بینند و برای رسیدن به وضعیت مطلوب تر می کوشند. (کامیار ۱۳۸۹، ۳۷)

۳-۱- شهر و حقوق شهروندی

موضوع اصلی شهر، شهروندانی هستند که در آن زندگی می کنند. شهر بدون شهروند کالبد بی جانی است که تشکیل شده از یک سلسله بنا و خیابان که هرروز به فرسودگی و اضمحلال خود نزدیک می شوند. شهر برای زیست شهروندان و تعاملات آنها با یکدیگر ساخته شده است به همین لحاظ شهروندان نسبت به شهر و شهرسازی همانطور که تکلیف دارند، حقوقی نیز دارند. درواقع بخشی از حقوق شهروندی مربوط است به نحوه شهرسازی، اصول ایمنی و امنیت و خدمات آن. این مطالعه و حقوق قبل از مطالبات خدماتی به ایمنی و امنیت شهر باز می گردد. بنابراین از این منظر رعایت اصول شهرسازی برای تامین هرچه بیشتر فضای امن و ایمن و از اصلی ترین حقوق شهروندی بشمار می رود و لذا دولت، نهاد های حاکمیتی و همچنین شهروندان نقش مهمی در ساخت، خدمات، امنیت و مدیریت آن به عهده دارند و مهم ترین حقوقی که شهروندان در این ارتباط دارند حق ایمنی و امنیت شهر می باشد. (صفاری، ۱۳۸۱: ۱۲)

۴- رابطه شهرسازی و بزهکاری

میزان جرایم در شهرها متنوع است. نقاط گردشی و تفریحی درون شهر ها و مکان هایی که دارای ازدحام زیادی هستند نسبت به نقاط آرام، جرم زایی بیشتری دارند. مناطق درون شهر ها محیطی مطلوبی ندارند و برای تجمع مهاجران تازه وارد مناسب اند. به همراه زاعه ها و حلیه آبادهای اطراف شهر، مکان هایی با بیشترین میزان جرم و بزهکاری اند. جرایم خشونت بار اغلب در مناطق داخلی شهر ها و مناطق پایین با کاربری های مختلط و تراکم بالای جمعیت رخ می دهند. در این خصوص پرونده زنان و کودکان ناشی از وضعیت طراحی محیطی و ساخت و ساز های ساختمان و خیابان ها می باشند. در این خصوص پرونده های زیادی در دستگاه قضایی موجود است که بخشی از آن ها مربوط به فضای محیطی می شود که مجرمان آن را مساعد برای انجام بزهکاری می یابند. طبق بررسی های انجام شده در حال حاضر بیشترین موارد بزهکاری در خانه

های قدیمی و یا بافت فرسوده شهر رخ می دهد. (کلانتری، ۱۳۹۰: ۱۱) موضوع ارتباط محیط با بزه، ابتدا توسط یک معمار آمریکایی به نام اسکار هیومن در کتاب فضاهای قابل دفاع مطرح شد. پیش فرض هیومن بود که جرم واقعه ای است چند عاملی به این معنا که عوامل متعددی در تکوین عمل مجرمانه دخیل هستند. بنابراین بطور مطلق نمی توان گفت یک یا چند عامل خاص باعث ارتکاب جرم می شود. چراکه همین عوامل ممکن است برای افراد دیگر نیز وجود داشته باشد ولی هرگز منتهی به وقوع جرم نشود. طبق این نظریه، یکی از عوامل مهم در ارتکاب جرم مساعد کنند، می توان فرد را ترغیب به ارتکاب جرم کنند. در مجموع می توان گفت کیفیت نامناسب ساخت و سازهای شهری و عوامل محیطی که از دیدگاه روانشناسانه سبب گرایش افراد به خشونت می شوند، ارتکاب جرم را تسهیل می کنند. (بنی دوست، ۱۳۹۲: ۳۸)

۱-۴- تاثیر طراحی محیط شهری بر میزان بزهکاری

کالبد و بافت فیزیکی محیط در بردارنده ی بعد پنهانی به نام بعد اجتماعی است که تاثیر آن در رفتار انسانی با اهمیت و سرنوشت ساز می باشد، طراحی و معماری شهری با فضاهایی سر و کار دارد که انواع فعالیت ها در چارچوب های گوناگون در آن رخ می دهد و به این فضاها معنی و مفهوم می بخشد، جرم نیز به عنوان یکی از رفتارهای انسانی از قاعده ی ارتباط با محیط مستثنی نیست. بنابراین می توان اذعان داشت که بحث از ارتباط میان رفتار انسانی و محیط پیرامون او مساله نو ظهوری نبوده و کما بیش از این عقیده وجود داشته است که انسان هویت محیط را هویت خویش می پندارد و گرایش به استحاله ی مختصات هویتی خویش به سمت کسب مختصات هویت محیط دارد. (نقی زاده، ۱۳۸۸: ۸) برخی از مکان های شهری به لحاظ کیفیت نامناسب ساخت و سازهای شهری و هم چنین عوامل محیطی که از دیدگاه روانشناسانه سبب گرایش افراد به خشونت می شوند ارتکاب جرم را تسهیل می کنند و مجرمان انگیزه دار را که بر اساس انتخاب عقلانی به دنبال کم خطرترین و مناسب ترین فرصت ها و شرایط مکانی برای ارتکاب عمل مجرمانه هستند، به سوی خود جذب می کند از حدود دهه ۷۰ میلادی نیز این تفکر بوجود آمد که نابرابری جرایم را با تفاوت در شرایط مکانی می توان مشاهده کرد، به طوری که در مکان هایی که فرصت های ارتکاب جرم را با دشواری همراه می کند با میزان وقوع جرم و بزهکاری کم تری روبرو است و برعکس شرایط تسهیل کننده باعث ایجاد ناهنجاری شهری خواهد شد، بنابراین طراحی فضاهای شهری باید به گونه ای باشد که فضاهای عمومی، خصوصی و نیمه خصوصی از یکدیگر متمایز باشند، زیرا اگر این فضاها تفکیک شوند هر فرد نسبت به فضای خود احساس تعلق خواهد کرد و در نتیجه در صورت ورود فرد غریبه یا مهاجم وی مورد مراقبت و نظارت ساکنین قرار خواهد گرفت و انجام وقوع جرم به حداقل خواهد رسید. توجه به ارتباط بین محیط مسکونی و ساختار شهرها و افزایش ایمنی آن از طریق بهبود در طراحی محیط مقوله ای است که در بسیاری از کشورها توجه لازم به آن مبذول نشده است و این نادیده انگاشتن طراحی مناسب محیطی که در قالب معماری و شهرسازی نمود می یابد بر روند افزایش وقوع جرم در جامعه کمک شایان توجهی کرده است. در جرم شناسی نیز میزان تاثیر اماکن شهری بر وقوع جرم یک مساله علمی و ثابت شده است به عبارت دیگر می توان اذعان داشت که اگر محیط القا کننده نوعی بی نظمی باشد این بی نظمی باعث کاهش کیفیت زندگی شده و در نتیجه احساس نا امنی بیش تر می شود و در این حالت بزهکاران به دنبال فعالیت بخشیدن به اندیشه ی مجرمانه ی خود خواهند شد که از این حالت در جرم شناسی گذر از اندیشه به عمل مجرمانه تعبیر می شود. تئوری پنجره های شکسته فلیپ زینباو که برای اولین بار در سال ۱۹۶۹ مطرح شد نیز به نادیده گرفتن محیط فیزیکی اشاره کرده و بیان می کند که یک پنجره شکسته و تعمیر نشده خود نشانه ای از این است که هیچ کس نگران نیست و بنابراین شکستن پنجره های بیش تر هیچ هزینه ای نخواهد داشت در واقع فرض این نظریه آن است که هیچ کس به قلمرو خود اهمیتی نداده یا مسئولیتی در قبال محیط اطرافش قبول نکرده است. امروزه با بالا رفتن آمار جرایم، به خصوص در محیط های شهری از یک طرف و آگاهی به پیشگیری قبل از وقوع جرایم از سوی دیگر انتظار می رود متخصصین رشته طراحی محیطی و معماری به رویکردهای معطوف به کاهش و بازدارندگی از جرایم توجه خاص مبذول دارند، براین اساس، رویکردهای جلوگیری از جرایم از طریق طراحی محیطی در حوزه شهر و مسکن باید مورد توجه برنامه ریزان و طراحان حوزه معماری و شهرسازی قرار گیرد. (احمد آبادی، و همکاران ۱۳۸۷، ۲۵۴)

۲-۴ امنیت در فضاهای شهری

امنیت به معنای رهایی از ترس و تهدید یکی از نیاز های اساسی انسان است. هریک از ابعاد مختلف امنیت، موضوع کار رشته های مختلف بوده است. در ادبیات شهرسازی مفهوم امنیت به معنی امنیت شهری و امنیت در محیط شهر مطرح است. در سال های اخیر رسالت شهرسازی در زمینه ارتقاء سطح امنیت بیشتر معطوف به چگونگی طراحی فضاها و برنامه ریزی مناسب کاربری های شهری بوده است. در این

ارتباط به رویکرد CPTED که مخفف واژه (Crime prevention through environmental design) می باشد که یکی از راهکارهایی است که در طراحی و برنامه ریزی محیط و منظر شهری تلاش دارد تا با رعایت استانداردهای ویژه ای در ساخت و سیمای محیط کالبدی، به ارتقا ایمنی در شهر و از این راه احساس امنیت ساکنین شهر را ارتقا ببخشد. در اینجا نکته مهم این است که مفهوم امنیت در هنگام ادراک، دارای ابعاد ذهنی و عینی می باشد. به گونه ای که واقعیت های موجود در این زمینه که معمولا با اعداد و ارقامی راجع به میزان وقوع جرم و جنایت بیان می شوند، همیشه در تطابق کامل با میزان احساس امنیت ساکنین (امری ذهنی و روانی) نمی باشد. احساس امنیت به عنوان امری ذهنی تحت تاثیر عوامل مختلف اجتماعی و روانی است. به عبارت دیگر احساس امنیت با اعمال و وجود امنیت متفاوت است و بالعکس. بنابراین به نظر می رسد که وظیفه شهرسازی تنها محدود به ارتقاء استانداردهای کالبدی برای افزایش ایمنی و امنیت نیست بلکه رسالت دیگر شهرسازی برای ارتقاء سطح آسایش روانی شهروندان ایجاد می کند تا این دانش با مداخله مستقیم در فرایند ادراک امنیت توسط ساکنین در جهت افزایش میزان احساس امنیت در شهروندان تلاش نماید. علم شهرسازی باید به دنبال ارتقاء استانداردهای کالبدی برای افزایش ایمنی و امنیت باشد همچنین باید در جهت ارتقاء سطح آسایش روانی شهروندان با مداخله مستقیم در فرایند ادراک امنیت توسط ساکنین در جهت افزایش امنیت عینی و احساس امنیت در شهروندان باشد بنابراین امنیت عملی احساس امنیت و ایمنی از مولفه های مهم امنیت شهر در طراحی شهری می باشند. (گسن، ریموند ۱۳۸۵)

۵- توجه به معماری و شهرسازی از منظر اجتماعی:

از آنجا که مردم ساعت های شبانه روز را در شهر می گذرانند، نوع شهرسازی و استفاده از رنگ های مناسب، زیبا سازی شهری و... باید به نحوی باشد که باعث ایجاد حس امنیت و آرامش در شهروندان شود. در بسیاری از محیط های شهری به دلیل عدم توجه به این مساله شاهد ایجاد اختلالات عصبی و روانی در شهروندان هستیم. به عنوان مثال برخی شهرها با تغییر رنگ پل های عابر پیاده از سیاه به سبز آمار خورکشی روی پل ها را به شدت کاهش می دهند. همچنین در برخی نقاط شهری که دارای آلودگی صوتی بیشتری می باشد با پوشش گیاهی درختان پهن برگ می توان اقدام به کنترل آلودگی صوتی کرد که این کار آرامش زیادی به مردم خواهد داد و پرخاشگری ها بسیار کمتر می شود. از این رو در شهرسازی ایمن و شهر انسانی، قطع درختان برای تعویض خیابان ها هیچ منطبق مناسبی را برای انسان شهری نخواهد داشت. درواقع با توجه به تاثیرات قابل ملاحظه طراحی محیط بر کنش های انسانی و دگرگونی های رفتاری، شهرسازان و طراحان می توانند با تغییر درفضاهای شهری، سبب کاهش رفتارهای پرخطر و خشونت آمیز در سطح جامعه و در نتیجه کاهش جرم خواهد شد. ارتباط میان جرم و محیط زندگی و زیست شهروندان همواره بخشی از موضوعات جرم شناسی را به خود اختصاص داده است. جرم شناسان از دیر زمان در پی آنند که با مطالعات آسیب شناسانه و بررسی های علمی و تخصصی عوامل تشکیل دهنده جرم را شناسایی کنند و راهکار های مقابله و کاهش آن را مورد شناسایی قرار داده اند. شاید در یک نگاه واقع بینانه رابطه معنادار و قابل انتسابی بین محیط و وقوع جرم مشخص نباشد ولی مسلما می توان بین نحوه ساختمان محل زندگی و پیشگیری از جرم، رابطه ای موثر ترسیم کرد، بدین ترتیب که با پیش بینی مجموعه ای از اصول در ساخت و ساز می توان از وقوع جرائم بسیاری جلوگیری نمود. انسان ها در داخل شهر زندگی می کنند و مسلما نمی توانند تاثیر محیط اطراف را در افکار و نحوه رفتار خود بی تاثیر بدانند. به لحاظ ارتکاب جرم در هر شهری خیابان ها و کوچه هایی و محله هایی وجود دارند که به مناطق جرم خیز و بزهکار شناخته می شوند و شهرت دارند، پس باید بیشتر مورد توجه و نظارت واقع شوند و همچنین با وضع قوانینی برای معماران و شهرسازان بستر کاهش جرم را افزایش دهند. افرادی که در شهر ها زندگی می کنند به دلیل مشکلات و معضلات خاص زندگی شهری آمادگی ارتکاب جرم را دارند، به عبارت دیگر آستانه تحمل افراد پایین آمده و ارتکاب جرم در آن ها به شدت بالا می رود و لذا خواسته یا ناخواسته به دنبال فرصت می گردند که با کوچکترین جرقه ای منفجر شوند و آنچه انصراف در معنای خاص جرم نامیده می شود را مرتکب شوند. لذا باید اندیشیدتا ساختار بافت شهری، به نحوی طراحی شود که لاقل از حیث فضا و زمان این فرصت به مجرمان داده نشود. نا آرامی روانی و ذهنی (به هر دلیل) از عواملی است که به شدت فرد را به طرف جرم سوق می دهد و فضای شهری می تواند موجب تشدید آن شود. ترکیب بندی کوچه ها و خیابان های محل زندگی نحوه تلفیق خیابان ها و خانه ها چگونه ترکیب محله های مسکونی تجاری، نحوه استقرار شهرک های اطراف شهر و رابطه آن ها با شهر، ارتباط بین بافت فرسوده و بافت جدید شهر، نحوه طراحی خیابان ها و به لحاظ ترافیکی، قرار گرفتن بزرگراه ها و بسیاری موارد دیگر نیز از جمله مواردی

است که در برداشت فرد از شهر و نیز ارتباط و تعامل بین افراد و همچنین ارتباط آن با وضعیت روحی و روانی شهروندان تاثیر دارد. (حسینی، سید محمد ۱۳۸۴)

۱-۵- طراحی مناسب نماهای شهر

کیفیت نامناسب ساخت و سازهای شهری و همچنین عوامل محیطی که از دیدگاه روان شناسانه سبب گرایش افراد به خشونت می شوند ارتکاب جرم را تسهیل می کنند. در معماری شاخه ای داریم به نام روان شناسی محیطی که با تعامل و روابط میان مردم و محیط شان سرو کار دارد و به بررسی رفتار متقابل انسان و محیط (کالبدی) می پردازد. روان شناسان محیطی بیش تر در روان شناسی اجتماعی، دنبال ریشه های رشته خود هستند. نظریه های متعددی در این باره وجود دارد. برخی معتقد به اثر قطعی محیط بر انسان و رفتار او (جبریت کالبدی) هستند و برخی به احتمال این اثر معتقدند؛ زیرا رفتار، محصول فرآیند درونی شده ی شرایط و جریان های محیط خارجی (کالبدی و غیر کالبدی) - در طول یک بازه زمانی - است که از یک شخص سر می زند. (متین فر، محمدرضا، ۱۳۹۲) عوامل ایجاد آسیب های اجتماعی - که فقر، خودکشی، اعتیاد، سرقت، مهاجرت، طلاق، برخوردهای فیزیکی، جرم و جنایت و... نموده های آن است - وسعت و پیچیدگی زیادی دارند. برخی از این آسیب ها ناشی از عدم امنیت در فضاهای شهریو بعضی ناشی از عدم رضایت از محیط زندگی، کار، سکونت تفریح و... است. به این معنا که می توان با طراحی مناسب فضاهای شهری، به کاهش شرایط جرم خیزی کمک کردو بالعکس؛ برای مثال، یک فضای دنج و تاریک که پنجره ای رو به آن باز نشود، می تواند شرایط را برای بسیاری از جرائم (مزاحمت خیابانی، سرقت، مصرف مواد و...) فراهم کند یا با ایجاد فضاهای دلپذیر و خاطره انگیز برای مردم و فراهم ساختن شرایطی برای تعامل های خانوادگی و اجتماعی، احساس وابستگی و تعلق را به فضاهای شهری یا مکان های زندگی شان فراهم آورد و به این ترتیب، از تمایل به مهاجرت، طلاق، آسیب های محیطی و... کاست. نماهای شهری که نمودی از فضای شهری هستند، به لحاظ بصری، اولین مواجهه ی انسان با شهر هستند. آسایش بصری و محیطی، یکی از مولفه های فضاهای شهری امن است. نماهای شهری نامطلوب با ایجاد اغتشاش بصری، باعث آلودگی دیداری یا رنگی می شوند. نتایج بررسی های متعدد حاکی از وجود هم بستگی آماری فراوانی وقوع جرائم و رفتارهای آئومیک (آلودگی رفتاری) با مکان های آلوده است. زمانی که انسان بطور دائم در معرض این آلودگی ها باشد، می تواند موجب تحریک های عصبی نامطلوب و در نهایت پریشانی و آشفتگی ذهنی و روانی افراد شود و زمینه را برای تشدید آسیب های اجتماعی فراهم کند؛ به طوری که می توان گفت شهر، آینه ی تمام نمای جامعه است.

۲-۶ تاثیر معماری شهری در کاهش یا افزایش انواع جرایم:

یکی از عوامل موثر در وقوع جرم، محیط اجتماع و زندگی است و بررسی موضوعاتی همچون کیفیت و نحوه معماری مسکن و چگونگی شهرسازی در جوامع و شهرهای مختلفی یک کشور یا محله های متفاوت یک شهر مبین تاثیرگذاری محیط بر بزه کاری است. نوع و کیفیت معماری و شهرسازی در کاهش یا افزایش وقوع جرایم تاثیر بسیاری دارد هرچند در تصویب قوانین به این موضوع توجه چندانی نشده است. شهرسازی و نیز معماری ساختمانها رابطه مستقیمی با جرم دارد. از این روست که برخی کشور ها در حوطه معماری جنایی به گونه ای علمی عمل می کنند و در طراحی ساختمان ها و شهرها توجه ویژه ای به این موضوع دارند که این توجه سبب جلوگیری از بروز جرم و جنایت تا حد ممکن می شود. اگر به آمار پرونده های وارد شده به مراجع قضایی و انتظامی مناطق جنوب و حاشیه شهرهای بزرگ توجه کنیم، می بینیم که درصد قابل توجهی از جرایم ناشی از درگیری و نزاع ساکنان یک کوچه یا خیابان به واسطه نداشتن پارکینگ اختصاصی برای پارک وسیله نقلیه و همچنین فقدان خیابان ها و کوچه های متناسب با استانداردهای شهر سازی اصولی است و همین موضوع باعث بروز اختلاف و درگیری و در نهایت وقوع جرایم و ایجاد اختلال در نظم اجتماعی می شود.

۱-۶- نقش نور در کاهش جرایم:

یکی از فاکتورهای موثر در طراحی محیط استفاده مناسب از نور است. نور چند کاربرد دارد که اولاً باعث رویت بهتر اشیا می شود. دوم اینکه محیط نورانی احساس مطلوب تری را نسبت به محیط تاریک و محیط هایی که از نور مصنوعی استفاده می کنند در فرد ایجاد می کند. بطوریکه گفته شده نور باعث افزایش قدرت نظارت و بالا بردن خطر ارتکاب جرم می شود. آمار وقوع برخی جرایم نشان می دهد ارتکاب آن جرایم

در فصل زمستان بیشتر است. علت این افزایش تاحدی به طولانی بودن مدت تاریکی در این ماه ها مربوط است. در یک تحقیق پس از آنکه نور خیابان های یک منطقه را ۴ برابر بیشتر کردند، مشاهده شد میزان جرم بیش از ۱۴ برابر کاهش یافت. توجه داشته باشیدحتی نور (لامپ) می تواند در وقوع یا جلوگیری از برخی جرائم موثر باشد. چشم های انسان به سختی با درجات مختلف نور سازگار و منطبق می شود. بنابراین اگر روشنایی خیلی ناموزون یا تابش بسیار زیاد باشد، این مسئله به کاهش مراقبت طبیعی منجر خواهد شد. از سویی دیگر بعضی نورپردازی ها تاثیرات منفی در سلامت اشخاص می گذارد. این همان وضعی است که امروزه در بسیاری از تابلوهای تبلیغاتی وجود دارد.

۲-۶- نقش رنگ ها در کاهش جرایم:

رنگ ها می توانند باعث ایجاد یا کاهش هیجانات شود. در لندن مشخص شد با تغییر رنگ پله های پل های عابر پیاده از مشکی به سبز، میزان خودکشی های انجام گرفته از طریق پرتاب از بلندی بسیار کم شده است. بنابراین در بحث محیط ما به این مسئله توجه داریم که در زندگی شهری رنگ بسیار مهم است. در حقیقت تصور دنیایی بدون رنگ امکان پذیر نیست. در محیط شهری رنگ را در همه جا می توان دید در بدنه و نمای ساختمان ها، خودروها، میلمان شهری، پوشش بام ها و... در جوامعی که رنگ های کدر یا تیره غالب است رفتار مردم در مقایسه با شهرهایی با طراحی تند و شاد متفاوت است. بنابراین در جرم شناسی به تاثیر رنگ بر انسان و پاسخ های انسان نسبت به رنگ هایی مانند قرمز، زرد، آبی و صورتی توجه زیادی می شود. به عنوان مثال در رستونهایی با مشتری های گذری، معمولا از رنگ قرمز استفاده می شود. این رنگ باعث کاهش زمان و بالا بردن سرعت غذا خوردن و خروج سریع مشتریان از رستوران برای جانشینی مشتریان جدید می شود. امروزه از رنگ در خصوص درمانهایی معروف به رنگ درمانی نیز استفاده می شود تا به این ترتیب احساسات، روحیه و روان افراد را متعادل می سازند.

۷- رویکردهای پیشگیرانه ناظر بر معماری و شهرسازی اصولی

یکی از مهم ترین عوامل در طراحی شهر ها افزایش نظارت بر نقاط آسیب پذیر است. با توجه به دیدگاه روان شناسی محیط در پیشگیری از وقوع جرایم می توان اظهار داشت که با توجه به تاثیرات قابل ملاحظه ی طراحی بر محیط بر کنش های انسانی و دگرگونی های رفتاری، شهرسازان و طراحان می توانند با تغییر فضاهای شهری سبب کاهش رفتار های پر خطر و خشونت آمیز در سطح جامعه و در نتیجه جرم شوند. در مباحث پیشگیری از جرم از طریق معماری و شهرسازی باید طراحی محیطی به گونه ای باشد که مجرم سود و بهره ای را که از نتیجه مجرمانه ی خود انتظار دارد، دست نیافتنی و غیر قابل صرفه بدانند، در مباحث جرم شناسی نیز که چندین راهکار برای پیشگیری از جرم وجود دارد برخی از آن ها به اصول و الگوهای شهرسازی برمیگردد. اصول شهرسازی مدرن بر این اساس است که معماری ساختمان ها و موقعیت قرار گرفتن آن ها باید طوری طراحی شود که بتواند باعث برهم زدن معادلات مجرمانه شود، به طوریکه ریسک ناشی از جرم و سود آن به حداقل برسد که در این حالت مجرمان کمتری برای ارتکاب جرم تمایل پیدا می کنند، نظریه پیشگیری از جرم از طریق محیط نیز بر این عقیه است و همواره به این نکته توجه دارد که مجرمان در انتخاب جرم، هدف جرم را به گونه ای انتخاب می کنند که به راحتی به آن دسترسی داشته باشند و از طرف دیگر امکان شناخته و دستگیر شدن آن حاکم شود، پس اگر در معماری و شهرسازی از تکنیک هایی که امکان شناسایی و دستگیری مجرمان بالقوه را افزایش دهد استفاده شود می توان قدم موثری در کاهش وقوع جرم برداشت. بنابراین یکی از انواع راهبرد های پیشگیرانه از جرم طراحی محیط است (CPTED) ۱ که نخستین بار توسط جرم شناس آمریکایی سی ری جفری در کتابی با همین نام ارائه شد. این نظریه بر این اندیشه استوار است که رفتار انسانی در محیط، تحت تاثیر طراحی آن محیط قرار دارد همچنین این نظریه تاکید می کند که با بهینه سازی فرصت های ناظر، تعریف مشخص و واضح از قلمرو و ایجاد تصویری مثبت از محیط می توان مجرمان را از ارتکاب جرم بازداشت. (CPTED) در حقیقت پیش بینی تشخیص، درک احتمال وقوع جرم و انجام اقدام هایی مناسب برای از بین بردن خطر وقوع جرایم است با طراحی محیط مناسب می توان محل وقوع جرم را برای فعالیت مجرمان نامناسب ساخت و از سوی دیگر ترس از وقوع جرم را برای قربانیان جرم کاهش داد. (جی هوپروچی دروگ، ۲۳:۱۳۸۶) به عبارت دیگر هدف از CPTED بهبود جنبه های فیزیکی و اجتماعی محیط است که به موجب آن تغییراتی در محیط فیزیکی به وجود می آید که مجرم را در انجام جرم ناتوان می سازد.

۷-۱- سیاست های شهری

افزایش جرایم، ظهور اشکال نوین بزهکاری، افزایش جرایم سازمان یافته و شیوه های متنوع تطهیر درآمدهای نامشروع (پول شویی)، گسترش فعالیت های مجرمانه منطقه ای و بین المللی در دهه های اخیر و به موازات آن بالا رفتن احساس ناامنی و ترس از وقوع جرایم در بین شهروندان به ویژه از جرایم خشونت آمیز موجب شد حکومت ها در برنامه ریزی و سیاست گذاری برای کنترل و کاهش ناامنی به ابزارهای دیگری نیز متوسل شوند. سیاست های شهری اولین بار بصورت جدی در نهمین کنگره پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین در قاهره (۱۹۹۵) مطرح شد. سیایات های پیشگیرانه شهری عبارتند از مجموعه تدابیر دولت ها که به صورت پیشگیری های عمومی و موضعی در محیط های شهری متبلور می شوند و در بعضی ابعاد می تواند در قالب سیاست های جنایی مشارکتی پیشگیرانه نیز نمود پیدا کند. بر این اساس در سیاست های شهری، هم دولت ها نقش فعال دارند و هم مردم دارای وظایف و مسئولیت های مشخص اند. نظام بین المللی و سازمان های مربوط نیز در نقش هماهنگی و برنامه ریزی وارد میدان می شوند. یکی از معروف ترین موضوعات مطرح شده در سیاست های شهری «پیشگیری های وضعی» است. بر این اساس، مجرمان اغلب دست به انتخاب های کاملا منطقی می زنند و به دنبال ساده ترین، کم خطرترین و مناسب ترین فرصت های ارتکاب جرم هستند؛ از این رو، برقراری تدابیری که مانع از وقوع بزه شود می تواند کارساز باشد. این تدابیر عبارتند از: ۱. تدابیری که کار مجرم را دشوارتر می سازند، ۲. تدابیری که احتمال خطر را برای مجرمین افزایش می دهد ۳. تدابیری که موجب شود ارتکاب جرم مقرون به صرفه نباشد. شناسایی جرایم شهری و پیشگیری از آن نیازمند طرح و بسط سیاست های پیشگیرانه است. دستیابی به چنین هدفی از راه دور به دست می آید و راه اول بهره گیری از تجارب سیستم های مدیریتی در سایر کشورها، سازمان های بین المللی و اجلاس های منطقه ای و مقدماتی در مورد جرایم شهری است. از سوی دیگر جرایم شهری دارای ریشه های عمیق اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است که نیاز به بررسی جامعه شناسی و جرم شناسانه دارد. از این رو برای پیگیری ریشه ها و تلاش در جهت پیشگیری از آن باید نهادهای موجود اجتماعی و تاریخی کشور را شناخت. رهاورد چنین کوششی می تواند ما را در شناخت و طرح سیاست های موفق در عرصه جرایم شهری، بسط فضاهای شهری مناسب و اصلاح ساختار فعلی یاری رساند. (متین فر، محمدرضا، ۱۳۹۲: ۸)

۷-۲- پیشگیری وضعی

یکی از شیوه های پیشگیری از بزهکاری، پیشگیری وضعی است که با ایجاد تغییر در محیط فیزیکی و شیوه های نظارت و کنترل، درصد کاهش آمار جرم است. راهبردهای این شیوه، بخشی بر تغییرات محیطی، بخشی بر کنترل بزهکاران و بخشی دیگر نیز بر حفاظت از بزه دیدگان تمرکز یافته است. ضرورت دارد با بررسی موقعیت ها و شرایطی که در شهرها به نفع بزهکاران و بخشی دیگر نیز بر حفاظت از بزه دیدگان تمرکز یافته است. ضرورت دارد با بررسی موقعیت ها و شرایطی که در شهرها به نفع بزهکاران و بزهکاری ایجاد شده، با سلب این فرصت های مجرمانه زمینه تحقق جرایم را کاهش داد. ویژگی های خاص جوامع شهری مانند تراکم جمعیت و کاهش نظارت، شیوه های معماری و شهرسازی و ساسیت مسکن، معضل حاشیه نشینی، اثرگذاری بر موقعیت های مکانی جرم زا و استفاده از قابلیت های محلی در پیشگیری از جرم از جمله موضوعاتی است که مورد بحث قرار می گیرد. پیشگیری وضعی دربرگیرنده ی مجموعه اقدامات و تدابیر غیر کیفری است که از طریق از بین بردن یا کاهش فرصت های مناسب برای وقوع جرم و نامناسب جلوه دادن شرایط و موقعیت پیش جنایی از ارتکاب جرم جلوگیری می کند. راهبردهای این شیوه، بخشی بر تعمیرات محیطی، بخشی بر تعمیرات بزهکاران و بخشی نیز بر حفاظت از بزه دیدگان تمرکز یافته است. (میرخلیلی، ۱۳۸۷: ۹۲). پیشگیری وضعی به عنوان یک نظریه علمی برای کاهش بزهکاری نخستین بار در دهه (۱۹۸۰) میلادی توسط کلارک، کورنیش مطرح شد. آنان در آثار خود همواره به اتخاذ تدابیر مناسب و به کارگیری اقدامات لازم به منظور کاهش فرصت ها و موقعیت هایی که موجب رفتار بزهکارانه می شود و همچنین تغییر رابطه ی بین بزهکار و بزه دیده تاکید کرده اند. این روش شیوه ای از پیشگیری است که با تغییر وضعیت فرد در معرض بزهکاری و بزه دیدگی و یا تغییر شرایط محیطی مانند: زمان و مکان درصدد است از ارتکاب جرم توسط فرد مصمم به انجام جرم جلوگیری کند. در این روش گاهی فرد در معرض بزه دیدگی مد نظر قرار گرفته و با حمایت از او با آن چه در معرض وقوع جرم است، از تحقق عمل مجرمانه جلوگیری می شود. در مواردی نیز با تغییر شرایط محیطی اعم از: مکان و زمان، امکان تحقق جرم سلب یا وقوع آن دشوارتر می شود. پیشگیری وضعی شامل از بین بردن کامل برخی از خطرات، کاهش بعضی از خطرات یا کاستن از دامنه خسارت وارده، تقلیل برخی از خطرات به وسیله انجام اقدامات امنیتی مانند: نصب دوربین های مداربسته یا افزایش تعداد افراد پلیس برای ترساندن و بازداشتن از ارتکاب جرم. این نوع پیشگیری باتوجه به شرایط بزهکار، نوع جرم، اهداف و موضوع های جرم و خصوصیات بزه دیده اقداماتی را به اجرا می گذارد که فرایند آن ها موجب از بین رفتن و

یا تضعیف موقعیت ها و فرصت های ارتکاب جرم خواهد شد. کاهش فرصت ها و موقعیتهای ارتکاب جرم، با توسعه امنیت فیزیکی یا طراحی ساختمان و محله ها که در نهایت موجب خطرناک و پرهزینه شدن اعمال مجرمانه می شود، همراه است. در این روش از پیشگیری، مدیریت پیشگیری از جرم با تغییر و اصلاح روش زندگی افراد و محیط سکونت آن ها، به دنبال خنثی سازی عملیات مجرمانه است. بنابراین پیش بینی شناخت و ارزیابی خطر جرم و انجام اقداماتی برای رفع یا تقلیل آن را پیشگیری وضعی می گویند؛ که گاهی از آن تحت عنوان «مدیریت کردن خطر جرم» نیز نام می برند (بیات و همکاران، ۱۳۸۷: ۴۳ و ۴۲). نا مطلوب با ایجاد اغتشاش بصری، باعث آلودگی دیداری یا رنگی می شوند. نتایج بررسی های متعدد، حاکی از وجود هم بستگی آماری فراوانی وقوع جرائم و رفتارهای آنومیک (آلودگی رفتاری) با مکان های آلوده است. زمانی که انسان به طور دائم در معرض این آلودگی ها باشد، می تواند موجب تحریک های عصبی نامطلوب و در نهایت پریشانی و آشفتگی ذهنی و روانی افراد شود و زمینه را برای تشدید آسیب های اجتماعی فراهم کند؛ به طوری که می توان گفت شهر، آینه ی تمام نمای جامعه است. با یک نگاه اجمالی می بینیم در شهرهایی مه هماهنگی های ساختاری و بصری دارند، آسیب های اجتماعی کم تری دیده می شود.

تاثیر حاشینه نشینی بر امنیت شهری

در مناطق حاشیه نشین با توجه به بافت غیراستاندارد وضعیت خاص توپوگرافی (مانند قرار گرفتن روی تپه و غیره). نبود روشنایی مناسب، فقر شدید و بیکاری استعداد زیادی برای جرم خیزی دارد. به دلیل اینکه در این مناطق تقریباً زمین هیچگونه اشتغالی که بتواند ساختار متعادل اجتماعی را ایجاد کند وجود ندارد و فقر فرهنگی و کمبود سواد ساکنین و بافت غیر منسجم انسانی بشدت در معرض آسیب های امنیتی میباشد. هم چنین وجود معابر باریک و دسترسی مشکل نظارت متصدیان امر امنیتی را ناممکن می سازد. در مناطق حاشیه نشین عناصر مختلفی خودنمایی می کنند مانند کارگاههای غیرمجاز، خرید و فروش مواد مخدر و سایر امور مجرمانه که این نمونه اعمال می تواند به سایر مناطق شهر پیدا کنند. (اردکانی، ۱۳۹۸: ۵۲)

۹- نقش دولت در بهبود شهرسازی

دولت ها می توانند در راه بهبودی معماری و شهرسازی و ارتقاء آن در جهت کاهش جرم، اقدامات و عملی و مفیدی را اعمال نمایند که می توان نسبت به آموزش معماران درباره کنترل جرم اقدامات لازمی را انجام داد. همچنین در مورد نقش دولت در معماری و شهرسازی اصولی با توجه به وضع اقتصادی اشخاص که گاهی استطاعت مالی جهت انجام امور فنی و تخصصی مطابق اصول جرم شناسی را ندارند، کمک های مالی و اختصاص دادن بودجه ای به این امر از وقوع جرم پیشگیری کند. (پاشایی، مهدی، ۱۳۸۹: ۱۷)

نتیجه گیری

با اذعان به افزایش روزمره جمعیت و با توجه به اینکه جرم جزئی جدایی ناپذیر از زندگی اجتماعی بشر می باشد انسان ناگزیر از ارائه راه کارهایی برای کاهش عوامل آسیب زا می باشد. بررسی های محققان ثابت نموده که محیط کالبدی نقش بسزایی در پیشگیری از وقوع جرایم دارد لذا به نظر می رسد آموزش لازم به معماران و شهرسازان و همچنین گذراندن دوره های آموزشی کاربردی برای کارمندان شهرداری های مخصوص طراحان فضای سبز بتواند تاثیر قابل توجهی در بیابان جرم و بزهکاری در جامعه داشته باشد. جرم شناسان با شور و شوق بسیار به دنبال نظام عواملی بوده اند که در جرم دخیل بوده اند. در این راه به عوامل زیادی توجه نموده اند از جمله فقر و ثروت، محیط اجتماعی فرد، خانواده، گروه دوستان، گروه های محیط فرد و... در این میان توجه زندگی محیط فرد چه لحاظ طبیعی و چه مصنوعی، نیز مطرح بوده است. هرچند بخاطر روشن نبودن ظاهری ارتباط این عامل با جرم، چندان تحقیقات گسترده ای را در مورد آن صورت نگرفته است. شاید در یک نگاه واقع بینانه، رابطه معنادار و قابل انتسابی بین محیط و وقوع جرم مشخص نباشد ولی مسلماً می توان بین نحوه ساختمان محل زندگی و پیشگیری از جرم، رابطه ای موثر ترسیم کرد. بدین ترتیب که پیش بینی یک سری اصول در ساخت و ساز می توان از وقوع جرائم جلوگیری نمود چراکه یکی از جلوه های ویژه در هر شهری، درواقع درون آن با عنوان خانه ها و ساختمان ها و نیز خیابانهای آن شهر است. چراکه انسانها در داخل شهر زندگی می کنند و مسلماً نمی توان تاثیر محیط اطراف آن را در افکتر و نحوه رفتار آنان بی تاثیر دانست. به لحاظ ارتکاب جرم، شهر ها و خیابانهای درون آن محل

های هستند که بیشتر مورد وقوع جرم می شوند. پس باید بیشتر مورد توجه و نظارت واقع شوند افرادی که در شهرها زندگی می کنند به لحاظ دلیل مشکلات و معضلات خاص زندگی شهری و نیز مسائل زیست محیطی از جمله آلودگی هوا و مشکلات ترافیکی و... همه بنظر می رسند آمادگی جرم را دارند به عبارت دیگر آستانه ارتکاب جرم در آنها به شدت پایین می آید و لذا خواسته یا ناخواسته به دنبال فرصت می گردند که با کوچکترین جرقه ای منجر شوند و آنچه انصراف در معنای خاص جرم نامیده می شود را مرتکب شوند لذا در این اندیشه باید بود تا ساختار بافت شهری، طوری طراحی شود که لاقل از حیث فضا و زمان، این فرصت به آنها داده نشود. پس شایسته است که مسئولان و دولت مردان چه آنان که در زمینه های مبنایی زندگی شهری مسئولیت دارند، چه مسئولانی که در پیشگیری ثانوی به برنامه ریزی می پردازند، با توجه به ابعاد ظریف سیاست گذاری در امر پیشگیری از جرایم شهری مراکز خاص پیشگیری از جرایم شهری را چه به صورت رسمی و مهندسی شهرسازی و معماری ابعاد خرد و کلان سیاست های شهری پیشگیرانه در محیط شهری را ترسیم نمایند.

منابع

- (۱) بنی دوست، م (۱۳۹۲)، پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی، روزنامه خراسان ویژه نامه پیوست فرهنگی و پایتخت معنوی شماره ۱۸۴۶۶
- (۲) بیات بهرام، شرافتی پور جعفر، عبدی نرگس ۱۳۸۷. پیشگیری از جرم با تکیه بر رویکرد اجتماعی محور. انتشارات معاونت اجتماعی نیروی انتظام، تهران، چاپ اول، ۲۰۷ صفحه.
- (۳) داوری، محمد و سلیمی، علی، (۱۳۸۰)، جامعه شناسی کجروی، انتشارات حوزه و دانشگاه، تهران.
- (۴) دورکیم، امیل، (۱۳۶۹)، اصل تقسیم کار اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، انتشارات کتاب سرای بابل، تهران.
- (۵) رحمت، محمدرضا، ۱۳۸۸، پیشگیری از جرم از طریق معماری و شهرسازی، نشر میزان، تهران.
- (۶) رستمی بیات، روح الله و محسن کلانتری و حسنی سعید (۱۳۸۹). توانمند سازی معابر و محلات شهری در برابر بزهکاری از طریق طراحی محیطی – دومین کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت شهری – مشهد مقدس ص ۳۲-۲۰
- (۷) ستوده، هدایت الله، (۱۳۸۴)، آسیب شناسی اجتماعی، انتشارات آوای نور، تهران، چاپ پانزدهم
- (۸) کلانتری، م، و وحید ربان، م. و محمودی. ع (۱۳۹۰)، ایمن سازی کالبدی شهرها در برابر بزهکاری با استفاده از راهبردهای پیشگیری و جرم با طراحی محیطی، فصلنامه دانش انتظامی، سال دوازدهم شماره ۵۱، ۳-۷۴.
- (۹) کورا، چالز، (۱۳۸۴)، شهرنشینی در جهان سوم، ترجمه فریبا فرایی، انتشارات دانشگاه هنر، تهران
- (۱۰) کی نیا، مهدی، (۱۳۷۴)، جرم شناسی، انتشارات دانشگاه تهران.
- (۱۱) گسن، ریمون، (۱۳۸۵)، تحول سیاست پیشگیری از بزهکاری در فرانسه در پرتو تصویب نامه قانونی ۱۷ ژوئیه ۲۰۰۲، ترجمه شهرام ابراهیمی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۹-۴۸.
- (۱۲) گلدوزیان، ایرج (۱۳۶۹). حقوق جزای عمومی ایران، انتشارات دانشگاه تهران، تهران
- (۱۳) متین فر، محمدرضا، (۱۳۹۲)، راهکارهای پیشگیری از جرایم شهری، ص ۷
- (۱۴) محسنی، رضاعلی، ۱۳۸۸. تحلیل جامعه شناختی امنیت اجتماعی و نقش آن در کاهش جرم و آسیب های اجتماعی. فصل نامه ی نظم و امنیت انتظامی، شماره ۴، سال ۲، زمستان، ۱-۲۴
- (۱۵) میرخلیلی، سید محمود. ۱۳۸۷. توسعه شهرها و ضرورت پیشگیری وضعی از بزهکاری. نشریه ی حقوق (علمی - پژوهشی)، پاییز، دوره ی ۳۸، شماره ی ۳.
- (۱۶) میرخلیلی، س م، (۱۳۸۸)، پیشگیری وضعی از بزهکاری با نگاهی به سیاست جنایی اسلام، چاپ اول، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- (۱۷) ولد، جرج، (۱۳۸۰)، جرم شناسی نظری، ترجمه علی شجاعی، انتشارات سمت، تهران.
- (18) Brown, B. and Bentley, B.(1393), "Residential Burglars Judge Risk: The Role of Territoriality" Journal of Environmental Psychology. Vo, 13, NO.1
- (19) Cozens, (2008), "crime Prevention through Enviromental Design in western Australia: Planning for sustainable urban Future", Department of urban and Regional planning, curtin University of technology, Western Australia.